

(مثل)

بدریا زد ب ماهی طعنه خرچنگ که ای نار است رفتار کج آهنگ
 بگو از راست رفتاری چه دیدی که بر وی کجروی را بر گزیدی
 بطعنه گفت ماهی راست گفتمی در این دریا در تحقیق سفتی
 سرشت کج نباشد راست اندیش نیند راست رورا کجروی بیش
 زمن باید کجی آروز پیراست که چون تو کج نهادی خواندم راست

(يك كنفرا نس مهم ادبی)

« بقیه از شماره قبل »

و همینطور Valtair در رومان sadih صدیق . و
 Vekov vhyo مقدار زیادی از اشعار سعدی را در دیوان
 Djentals استقبال کرد از مذكر و مطاله کتاب Livres persanes
 که Montespuieu نوشته است ~~مطالعه~~ نظر میکنیم زیرا فقط اسم
 این کتاب ایرانی است لکن رسمش فرانسوی . و شرح اخلاق فرانسه
 است به اسم ایران و علت آنکه Montesquieu ایران را بر
 سایر ممالک ترجیح داد و به عنوان ایرن کتاب تألیف کرد شاید
 آن باشد که در آن زمان سفیری از ایران به دربار آمده و
 طرف توجه بوجه مردم واقع شده بو «

تا انقلاب بزرگ فرانسه چون فرانسوی ها بخوبی ایران را
 نشناخته بودند نمیتوانستند او را دوست بدارند مساعی مستشرقین

فرانسه فقط برای شناساندن تمدن ایران است به فرانسویها و نزدیک کردن آنها به ایران تا ایجاد دوستی کنند « اجازه بدهید که مختصراً کارهای مستشرقین فوق‌الذکر را بعرض برسانم از آغاز قرن دهم هجری در فرانسه شروع کردند به چاپ کردن سفر نامه ها در ایران .

قدیمترین آنها عبارتند از کتاب های César Lomdert و p. Aramon در قرن بعد راجع به ایران کتاب های مفصل و مشروح نوشتند مثل کتب Deshandres خوبیهای ایران Beautée de la Perse و Samson سامسون هم که در ایران سفر کرد سفر نامه نوشته است . و مخصوصاً بواسطه انتشار سه کتاب مفصل که مؤلفین آن ها عبارت اند از Thévenk Chardin Tavermes ایران را فرانسوی ها بخوبی شناختند . در قرن بعد Terrieres Thesneau و Oelhy سفر نامه هائی چاپ کردند و در قرن اخیر عده زیادی از این سفر نامه ها بطبع رسیدند مثلا Ancher Eloy Beauchamp Arouille Dn prè Larm — ier Ferrier jandert Boche Chouart Bieu — lafoy, Lot , Henrl Allemagne .

متخصصین فرانسه هم در ایران کار کرده اند . Terrier Coste و Flamdin کتاب های مفصل راجع بصنایع نوشته و Olivier تاریخ طبیعی را تحصیل کرد و مصنفائی باقی گذاشت

khankoby و خانیکوف Khâni . kofy خصوصیات اشخاص را در ایالات مختلفه ایران نقل کردند . وزراء داخله و معارف فرانسه امر کردند که کتابی در خصوص ایران چاپ کنند و کاملاً تصویر ایران را در او شرح بدهند . فراموش نکنیم که در زمان لوئی چهاردهم کتیب‌هایی مثل Gabriel de chiman Vaci Pieux و de Brouvins و Rafael du Araus شرح‌های خوبی برای ایران تألیف کردند . به اضافه شرح‌های دیگر بتوسط Gueust Berrin, Jourdani و Duheur در فرانسه انتشار یافتند « از کتاب‌هایی که فرانسویها در تاریخ ایران نوشته اند ذکر نمیکنیم زیرا بقدری زیادند که نمیتواند شمرد . راجع به تحصیلات ادبی میدانید که ما ترجمه‌های خوبی از کتاب شاهنامه و حافظ و خیام داریم . گیلستان ده مرتبه و بوستان هم تقریباً ترجمه شده است امسا تاریخ زبان فارسی لابد شنیده اید که مستشرقین بزرگ فرانسوی موسوم به Eugène Burnouf موفق شده است که کاملاً حرف میخی را بخواند . میدانید که Anquetil Duperron فرانسوی هم جان خور را بخطر انداخته و به هندوستان رفت و کتاب‌های زردشت را Zardastre به فرانسه آورد و برای اولین دفعه ترجمه نمود . اسامی مستشرقین عمده فرانسه که در تعرن ایران کار کرده اند از قرار ذیل اند :

Clément Huart مشغول است بچاپ و ترجمه کتاب گرشاسب
 نامہ Meillet زبان فارسی قدیم و بہاوی را تدریس میکنند .
 Bornat در مجلہ عالم اسلام خلاصہ مقالات جراید شما را ترجمہ
 می نماید . لکن بیشتر از ایشان عدہ زیادی از مستشرقین کار کردہ
 اند و بندہ بہ ذکر مهم ترین ایشان قناعت میکنیم : S. de Sag
 مترجم ہند نامہ عطار Chèyy مترجم لیلی و مجنون جامی G' de
 Tasses مترجم منطق الطیر عطار Mohl مترجم شامہ نامہ
 B. de Meynard مترجم بوستان Nicolas مترجم خیام و غیر
 ذلک . کتاب های مورخین ایرانی را Blochet' de Preneus
 Makemére' Jourdain ترجمہ و چاپ کردہ اند . بالآخرہ
 Gobineau کتاب ہائی راجع بہ ایران نوشتہ است کہ میفہمائند
 نویسندہ مذکور ایران را خوب شناختہ قبل از حرکت من از
 پاریس کتاب ہائی Gobineau کہ دو بارہ طبع شدہ بودند طالب
 زیادی داشتند :

ملاحظہ فرمودید کہ ما از تحصیل کردن ادبیات مملکت شما غفلت
 نمی کنیم . کارهای مستشرقین اثرات مفیدی در ادبیات بخشیدند
 ابتدا از حکایات شما تقلید کردند و بہ زبان فرانسه حکایات ایرانی
 را نوشتند . پس از آن شعرا تعقیب نمودند . عرض کردم کہ
 چه قدر Victor Hugo ایران را دوست داشته است و بعد از
 او چندین نفر از شعرای فرانسه کتاب ہائی نوشتند کہ بہ آسانی

میتوان فهمید اثراتی که تمدن ایران در فکر ایشان داشته . مثلا

Le Pays des roses را اشعار گلزار Armand Sylvestre

نوشته است . Armand renand شبهای ایران را Les Nuits

Persanes تصنیف کرده و . Abel Bonnard اشعار شاهزاده

ایرانی را Le Prince persan بطبع رسانید . Le conté de

Lisle یکی از بزرگترین شعرای ما در قطعه گلهای اصفهان و

در قطعه دیگر باغهای ایران را مدح کرده است . Mm des bordes

Valmore شعرهای معروفی در تحت عنوان گلهای سعدی

نوشته است که ترجمه آن را بعرض میرسانم « و عذر می خواهم

از ترجمه ناقابل خودم »

j'ia voulu ce matin te rapporter des roses — Mais

j'en avais tant bris dsns mes ceintures closes — que les

nauds trop serrés n, ont pu les contenir .

Ces noeuds ont éclaté — Les roses ^{بروبسته گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی} envolées — Dans le

Vent à la mer S'ensont toutes allées . Elles ont Suivi

l'eau pour ne plus revenir .

La vague en a paru rouge et comme enplannée —

Le soir ma robe encor en est toute embaumée — respirez

en sur moi l'odorant souvenir .

« ترجمه »

خواستم امروز صبح برایت گل بیاورم -- اما بقدری

از آن گلها در کمر بستم — که گره های تک کمر بند ظرفیت
نکاهداری آنها رانداشتند .

گره ها باز شدند و باد گلها را پراکنده کرد و همه را
به دریا فرستاد — آب آن هارا برد به طوری که دیگر مراجعت
کردن نتوانستند موج دریا از آنها سرخ شده و مثل آن بود که
روشن شده باشد — امشب هنوز دامنم معطر است و یادگار
خوشبوی آنها را میتوان از من استشمام نمود .

یکی از بزرگترین شعرای قدیم فرانسه در اشعارش با شعرای
ایران خویشاوندی دارد و این شاعر معروف موسوم است به Pierre de
Ronsard که در قرن نهم هجری زندگی میکرد . پس از شنیدن
ترجمه ذیل ملاحظه خواهید فرمود که چه قدر اشعارش به شعرهای فارسی و
مخصوصاً با اشعار حافظ شبیه است .

Versons ces roses en ce Vin — En ce bon vin Versons
ces roses — Et buvons l'un et l'autre afin du' au cOeuq nos
tristesses en cIoses — Prennent en buvant quelque vjn .

(ترجمه)

این گل ها را در این شراب بریزم — در این شراب
خوب گل بیاشیم و به سلامتی هم باده بنوشیم تا دلنکیها به سبب
شراب از بین بروند

*** (قطعه دیگر) ***

Sur toute fleurette de chose — J'aime la senteur de la
rose — Et l'odeur de la belle fleur — qui d'e quand sa la glace
Et l'hiver au soleil f'ond glace première eOvlur pare-la terre

(ترجمه)

عطر گل سرخ و بوی بنفشه را که از رنگ تازه اش زمین
را می آراید و قتی که آفتاب بخر را ذوب کرده و از بی زمستان
هویدا میشود بر همه گلهای شکفته ترجیح میدهم .

«قطعه دیگر»

Mignon, allons voir si la rose — qui ce matin avait
de chose sa robe de pourpre au soleil — A point perdu
cette Vesprée -- les plis de robe pourpre — et son teint
au vôtre pareil .

رتال جامع علوم انسانی

Les voyci comme en peu d'espace — mignonne, elle
a dessus la place — hélas-hélas - ses beautès laissè cheoir

O vraiment marâtre nature — puisqu' une telle fleure
ne dure que du matin ou que au soir .

«ترجمه»

عزیزم برویم به بینم که آیا گل سرخی که رنگش بنفشه رنگ تو
شبهه است و در این صبح بالباس سرخ در آفتاب باز شده چینهای
لباس سرخ را امشب از دست داده یا نه .

افسوس به بینید چه طور در مدت کمی جمالش از بین رفته و از وجودش انبری نمانده افسوس حقیقتاً طبیعت چه مادر بدی است که نسبت به گلی این قدر قشنگ بیوفائی کرده از صبح تا شام بیشتر نگاهداری اش نمیکنند .

و در این قطعه Ronsard بابل را مدح مینماید .

Gentil rossignol passager - qui t'es encore venu loger —
Dedans cette coudre ramée — Sur ta branchette accout —
umée - Et qui ' nuit et jour , de ta voix Assourdis les
mOnts et les bOis ' .

ای بابل مهربان رونده که هنوز در این درخت پر برگ بر شاخه معمولی نشسته در شب و روز به آواز خوانی مشغول و کوهها و جنگلها بصدا در میآوری .

خلاصه امید دارم معتقد باشید که فکر ادباء ایران و فرانسه حتی در وقتیکه از هم تقلید نمیکنند روابط نزدیک دارند و نمیتوانند یکدیگر را دوست نداشته باشند .

کنفرانس ادبی پرفسور که يك قسمت آن در شماره قبل طبع شده بود اینک بانجام رسید و قطعه شعر آقای دولت آبادی با قطعه شعریکه نگارنده در موقع ورود پرفسور در انجمن ادبی انشا و قرائت نموده است و سابقاً وعده طبع آنها را داده ایم بشماره بعد محول میگردد ،

(وحید)